

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي قال في محكم كتابه ((و اطيعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ريحكم)) و الصلوه و السلام على سيدنا محمد نبي الرحمة و على اله و اصحابه السالكين لنهجه القويم و على من تبعهم باحسان الى يوم الدين).

((اختلاف أمتي رحمه))

قبل از پرداختن به موضوع و شرح این حدیث به حکم اسناد آن می پردازیم :

که امام سیوطی رحمه الله علیه در کتاب الجامع الصغیر من حدیث بشیر النذیر رقم ۲۸۸ فرموده :

((که این حدیث را امام نصر المقدسی در کتاب الحجج و امام بیهقی در رساله الاشعریه بدون سند روایت نموده و

امام حلیمی قاضی حسین و امام الحرمین رحمهم الله و دیگر علماء این حدیث را در کتابهای خود آورده اند و

ممکن است در بعضی از کتب حفاظ تخریج شده باشد و به ما نرسیده باشد .)) [۱]

اما از علمای معاصرین مثل محمدناصر الدین آلبانی بر این حدیث حکم موضوع داده است . [۲]

و امام نووی رحمه الله در کتاب خود می فرماید که : امام الخطابی این حدیث را با صیغه ترمیض روایت نموده و

این حدیث را چنین شرح داده که اختلاف امت در دین بر ۳ نوع است :

۱- اختلاف در اثبات خداوند و وحدانیت او ، که انکار آن موجب کفر می شود .

۲- اختلاف در صفات خداوند و انکار آن بدعت می باشد .

۳- اختلاف در احکام و فروع دین که محتمل بر وجوه مختلف می باشد ، که این نوع از اختلافات

را برای علمای امت اسلامی رحمت و کرامت قرار داده است . [۳]

اختلاف در فروع دین، رحمت است و نشانه وسعت و ماندگاری شریعت : [۴]

بعضی از اشخاص آرزوی رفع اختلاف در احکام مربوط به عبادات و معاملات و سایر فروع دین را در سر می

پروراندند.

این افراد باید اطمینان داشته باشند که آب در هاون می کوبند و تلاش آنان ثمره ای جز گسترش دامنه اختلافات

نخواهد داشت و اصولاً چنین آرزو و اعتقادی، نشان ه چیزی جز ساده اندیشی نیست، چون وجود اختلاف در

دریافت احکام جزئی و غیر اساسی دینی، امری است که ناگزیر بوجود می آید و طبیعت دین، زبان، انسان، جهان هستی و زندگی جمعی اقتضای آن را دارد .

طبیعت دین

اراده الهی چنین مقرر داشته است که در دایره احکام از طرفی مواردی باشد که در مورد آنها نصی یافت شود (منصوص علیه) و هم —واردی که حکم مربوط به آنها را باید از کلیات استنباط کرد (مسکوت عنه) و از طرف دیگر در منصوص علیه نیز محکومات و متشابهات، قطعیات و ظنیات، صریح و قابل تاویل، هر دو نوع وجود داشته باشد تا بتوان در احکام اجتهادی اندیشه ها را در استنباط و کشف حکم بکار گرفت و در مسائل غیر قابل اجتهاد و قطعی الدلاله بی چون و چرا آنها را پذیرفت .

در واقع، این مسئله راهی است به سوی تحقق سنت ابتلاء و آزمایش که در آیه دوم از سوره مبارکه انسان :
(انا خلقنا الانسان من نطفه امشاج نبتلیه)) از آن سخن رفته است .

ناگفته پیداست که اگر اراده الهی مقرر می فرمود، دین در شکل و نمایی واحد جلوه می کرد که هیچ قابل منازعه و اختلاف نبود و در آن صورت، دیگر اندک مخالفتی با آن، حکم کفر می گرفت و مخالف را به حوزه بی دینی می کشاند .

اما می بینیم که چنین نیست و این بخاطر همسازی با طبیعت دین و زبان بشری است که وسیله نزول آن قرار گرفته است.

این چگونگی، همچنین به لحاظ سازگاری با طبع انسانی و آسانگیری و وسعت بخشیدن به مردمان عصرها و نسل هاست .

براستی اگر خداوند اراده می فرمود که مسلمانان بر یک چیز اتفاق پیدا کنند و هیچ اختلافی در میان نباشد حتی در زمینه فروع و اصول غیر اساسی، کتاب آسمانی را صرفاً شامل بر نصوصی قطعی الدلاله، قرار می داد که دریافتها و استنباطات گوناگون را پذیرا نبود .

اما خداوند متعال محکومات را اساس و بیشترین بخش آیات قرآن قرار داد و آن را از متشابهات نیز تهی نکرد تا هم مسلمانان را در پایبندی به غیب امتحان کند و هم عقلها را برای ورود در صحنه اجتهاد و استنباط بیوراند .
خداوند متعال می فرماید :

(هو الذی انزل علیک الکتاب م نه آیات محکمت، هن ام الکتاب و اخر متشابهات، فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا و ما یذکر الا اولوا الالباب) [۵] .

((او ذاتی است که این کتاب (قرآن) را بر تو فرو فرستاد، پاره ای از آن، آیات محکم (صریح و روشن) است . آنها اساس کتابند، و پاره ای دیگر متشابهاتند (که تاویل پذیرند)، اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن بدلخواه خود از متشابه آن پیروی کنند، با آنکه تاویلش را جز خدا و ژرف نگران در دانش کسی نمی داند آنان که می گویند : ما بدان ایمان آوردیم، همه چه محکم و چه متشابه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود)) . از این گذشته، پیش از مرحله استنباط و تفسیر، مرحله قرائت نصوص قرآنی قرار دارد که در آن نیز اختلافات گوناگونی (هفت - ده قرائت) هست . همه این قرائتها از طرف امت اسلامی تلقی به قبول شده و هیچ کدام از دانشمندان از آن منع نکرده اند و تمامی آنها را ثابت و بدون اشکال می دانند .

اختلاف، رحمت است :

اختلاف در عین اجتناب نا پذیری، بوی امت اسلام، رحمت و وسعت مغتیمی است :

در این مورد حدیثی است که بدون سند روایت شده است و البته به گمان از معنای صحیحی برخوردار است . این حدیث را سیوطی در الجامع الصغیر آورده است : ((اختلاف امتی رحمه)) . یعنی اختلاف امت من مایه رحمت است .

آنچه می تواند مؤید این حدیث قلمداد شود روایتی دارقطنی بنقل آورده و نووی در اربعین آن را حسن شمرده است .

بدین قرار که : در شریعت حدودی هست که نباید از آن تخطی کرد .

خداوند بر مردم واجباتی را مقرر داشته که نباید بر خلاف آن رفتار نمود و محارمی هم تعیین فرمود که نباید به آنها نزدیک شد .

علاوه بر اینها چیزهای هم هست که احکامشان در شریعت مشخص نیست این از روی رحمت بندگان است نه فراموشی بیان حکم است .

معمولا این گونه مسائل که در شرع و دین بصراحت معلوم نیست مایه اختلاف می گردد و این از آن جهت است که احساس می شود که در این جا منطقه ای خالی وجود دارد که در آن قانون گذاری ترک شده و هر فقیهی می کوشد تا بر مبنی و اصول مکتبی که دارد آن فضا را پر کند.

از همین روست که یکی به قیاس متوسل می شود و دیگری به استحسان و یکی به استصلاح و دیگری به عرف یا استصحاب روی می آورد .

نکته مهمی که حدیث هم بروشنی گویای آن است اینکه عدم نص مشخص بر بعضی مسائل، بالاصاله مقصود نظر شارع بوده و از نظر رحمت و آسان گیری چنین وضعی پدید آمده نه اینکه نقص و کمبود داشته باشد و یا مورد فراموشی قرار گرفته است .

این وسعت و تسهیل در دو مورد جلوه کرده است :

۱- فروع گذاری نص بر بعضی مسائل و واگذاشتن آن به مسلمانان که در باره آنها، بر اساس دیگر نصوص به اجتهاد بپردازند .

۲- ساختار نصوص احکام موجود، اغلب نرم و قابل انعطاف است و قابلیت نظرات و اجتهادهای گوناگونی را دارد.

با توجه باین مسائل می توان اختلافات یاران رسول خدا را توجیه کرد .

آنان هرگز بخاطر این اختلافات بجان هم نمی افتادند و در این جهت سخت گیری نمی کردند .

عمر بن عبدالعزیز (رض) در پرتو علم و بصیرتی که خداوند به او عطا فرموده بود اختلاف صحابه کرام را مایه وسعت و رحمت می شمرد و می گفت : برای من خوشایند نیست که ببینم اصحاب رسول خدا (ص) اختلاف نکنند که اگر چنین می بود هیچ رخصتی نداشتیم .

یعنی آنان با اختلاف کردن در مسائل گوناگون فرصت اختیار و گزینش سخنان و اجتهادهای خویش را بما داده اند .

همچنین، خود آنان سنت اختلاف در مسائل اجتهادی را برای ما پایه گذاری کردند و به ما آموخته اند که در عین اختلاف دوست و برادر یگدیگر باشیم .

دانش فقه، در پرتو همین اختلافات اجتهادی بوده است که پیوسته غنای افزون تر می یابد و بر دایره رشد و گسترش آن افزوده می گردد .

هرگاه دیدگاه فقیهانه ای به ادله و اعتبارات خاصی تکیه دارد محصول اندیشه انسانهای فرهیخته و دانشمند است .
اهل رحمت و اختلاف در فروع:

امام شاطبی در این باره در کتاب ((الاعتصام)) تحقیق سودمند و سخن نغزی عرضه کرده است که اینک خلاصه آن را کما بیش با عین الفاظ در زیر از نظر می گذرانیم، شاطبی، پس از بیان این نکته که امت اسلام بر عکس ملل پیشین که همیشه در کار اختلاف بوده اند، هماهنگند و از اتفاق نظر برخوردارند، می نویسد: ((همین امت که در اصول باهم متفقند، گاه اتفاق می افتد که ناگزیر در فروع با هم اختلاف می کنند، زیرا حکمت خداوند چنین جاری شده است که فروع اح کام در معرض اجتهادهای گوناگون قرار گیرد و هر کس با ادله ای که در اختیار دارد در حوزه فروع به استنباط دست زند و در نزد صاحب نظران نیز بخوبی ثابت شده است که بر مسائل نظری و ظنی معمولاً اتفاق نظر بوجود نمی آید و از دیر باز اختلاف در این گونه مسائل، شیوه ای مرسوم و متداول بوده است . این اختلافات که صفت مشروع را میتوان به آن داد، در حوزه فروع و جزئیات قرار دارد، نه اصول و کلیات و از همین رو بکلی از فساد و زیان به دور است .

وجود اختلاف در بهترین عصر در زندگانی پیشوایان مذاهب :

(امام ابوحنیفه - امام مالک - امام شافعی - امام احمد حنبل - امام جعفر صادق و امام ثوری و امام اوزاعی و ...) از اینگونه اختلافات وجود داشته و هیچ کدام آن را سبب شر و بدی ندیده اند و هرگز نکوشیده اند با توسل به فشار و وارد کردن اتهام به علم و دیانت به صرف مخالفتش ان با نظر و رای آنان، مردم را به تبعیت از مذهب خود وادار کنند که نمونه های بارز آن در کتب فقهی و علمی بوضوح مشاهده می شود .

وجود اختلاف میان انبیاء و ملائکه :

خداوند متعال در قرآن کریم از اختلاف و مشاجره ملائکه سخن گفته است :

(ما کان لی من علم بللملاء الاعلی اذ یختصمون) [۶]

(مرا در درباره ملائکه ای هیچ دانشی نبود آنگاه که مجادله می کردند)

همچنین انبیاء الهی نیز گاه با هم اختلاف کردند که نمونه های آن اختلاف بین موسی و هارون در قبال مسئله عبادت گوساله سامری و همچنین موسی و خضر (ع) در سه مورد که سرانجام به جدائی آن دو شد .
و نیز داود و سلیمان، در باره حکم گوسفندانی که در کشتزار دیگران به چرا پرداخته بودند اختلاف کردند .

در قرآن در این مورد یاد آور شده که نظر سلیمان صحیح بود اما در آیه ۷۹ سوره انبیاء که می گوید : (ففهمناها سلیمان کل ایتما حکما و علما) می بینیم که هر دوی آنان را ستودند.

لزوم میانه روی و ترک افراط و مبالغه گویی در دین :

از جمله مسائلی که در توحید کلمه کلیه مسلمانان و مبلغان اسلامی یا لاقل کم کردن شکاف موجود و از بین بردن بیگانگی ها در میان آنان نقش اساسی دارد، میانه روی و پرهیز از افراط و تفریط و پایبندی به اعتدال و توازن است . امت اسلامی در همه زمینها بنا به آنچه که گذشتگان گفته اند راه میانه انتخاب می کنند و دین خدا راهی در میانه راه افراط کنندگان و کافران دارد .

از حضرت امام علی کرم الله وجهه نقل است که فرمود: شما را به راه میانه، سفارش می کنم تا عقب افتادگان

(اهل تفریط) به آن بپیوندند و غالیان بسوی آن باز گردند .

میانه شیء، در حکم مرکز دایره است که از همه سو، به آن منتهی شود .

راه میان همان صراط مستقیمی است که به هنگام تلاوت سوره مبارکه فاتحه از خداوند می طلبیم ما را بسوی آن هدایت کند : (اهدنا الصراط المستقیم) .

و همان است که در آیه ۱۲۶ از سوره انعام به آن اشاره دارد:

(وهدنا صراط ربک مستقیما) و راه راست پروردگارت همین است .

و همان راهی است که خداوند ما را به پیروی از آن فراخوانده است تا اتحاد و یگ انگی را در میان خویش تحقق بخشیم و از کج راههایی که شیاطین جن و انس نشان می دهند بر حذر باشیم و هر گز به آنچه که غرب و شرق و چپ و راست ارائه می کنند علاقه ای نشان ندهیم .

آسانگیری صحابه و سلف صالحین و مخالفتشان با سختگیران:

روحیه تساهل و آسانگیری، صحابه و تابعین را چنان پرورش داد که در فروع احکام از خود تسامح نشان دهند و با اختلاف در آنها، خود را به سختی و عسرت نیندازند .

از این گذشته چنانچه کسی خود را به امور جزئی و سؤال درباره آنها مشغول می ساخت، چنان با او برخورد می کردند که زمینه مناسبی برای طرح این گونه پرسشها که حاصلی جز عسرت و سختی ندارد، پیش نیاید قرآن خود بر این اصل پافشاری کرده است : ((یا ایها الذین آمنوا لا تسالوا عن اشیاء ان تبد لكم تسؤکم و ان تسالوا عنها

حین ينزل القرآن تبد لكم عفا الله عنها و الله غفور حلیم .)) [۷]

ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد، شما را اندوهناک می کند، سؤال نکنید و اگر هنگامی که قرآن نازل می شود، درباره آنها سؤال کنید برای شما روشن می شود . خداوند از آن پرسشهای بیجا گذشت نمود و خداوند آمرزنده بردبار است .

بر محکمت باید تکیه کرد، نه متشابهات :

سومین عاملی که در ایجاد وحدت و یگانگی امت نقش اساسی را ایفا می کند و در عین حال از بروز تفرقه و اختلاف جلوگیری می کند، تکیه بر محکمت است . محکمت، در بیان قرآنی، اساس و عمده کتاب آسمانی بشمار میرود .

راسخان در علم، محکمت را اصل و اساس تفکر و رفتار خود می گیرند و در عوض، کج اندیشان فتنه جو، از متشابهات بهانه ای می سازند برای توجیه اعمال و رفتار خویش .

بیان قرآن کریم در این باره بدین قرار است :

((هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکمت هن ام الکتاب و اخر متشابهات، فا ما الذین فی قلوبهم زیع فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة و ابتغاء تاویله و ما یعلم تاویله الا الله، والراسخون فی العلم یقولون آمنا به کل من عند ربنا، و ما یدکر الا اولو الالباب)) سوره آل عمران / ۷

اوست ذاتی که این کتاب را بر تو فرستاد . پاره ای از آن آیات محکمت است . آنها اساس کتابند و پاره ای متشابهاتند اما کسانی که در دلهایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تاویل آن از متشابه آن پیروی می کنند، با آنکه تاویلش را جز خدا و راسخان در علم کسی نمی داند آنان می گویند : ما بدان ایمان آوردیم همه چه محکم و چه متشابه از جانب پروردگار ماست و جز خردمندان کسی متذکر نمی شود .

عدم قاطعیت و سخت گیری و مطلق گرایی در مسائل اجتهادی :

یکی دیگر از عواملی که به از بین رفتن فاصله موجود مسلمانان، کمک می کند، دوری جستن آنان از قاطعیت و نا درست شمردن آراء دیگران در مسائل اجتهادی اختلافی است، که بخودی خود متحمل وجوه و آراء گوناگون هستند.

بر همین اساس، دانشمندان اسلامی معتقدند : هیچ مجتهدی حق ندارد رای مجتهد دیگر را باطل بشمارد و مقلدان نیز حق نا درست شمردن رای و نظر مقلدان دیگر را ندارند، تا چه رسد به این که بخواهند م تعرض آراء سایر مجتهدان شوند . بر این پایه، می بینیم وقتی که هارون الرشید با امام مالک (ره) مشورت کرد که مردم را به پیروی از مسائل موطا مجبور کنند امام گفت : نه، چنین نکن ! صحابیان پیامبر اکرم (ص) در بلاد پراکنده شده اند هر گروه از مردم احادیثی در دست دارند که طبق آنها عمل می کنند .

ضرورت آگاهی از اختلاف عالمان دینی :

از جمله مسائلی که به گسترش تسامح و معذور دانستن همدیگر و در نتیجه توسعه اتحاد، کمک بسزایی می کند، آگاهی یافتن از اختلافات دانشمندان است، تا بدان وسیله تعدد مذاهب گوناگون فرق و مشربها و گرایش فکری و دلایل مورد استناد هر کدام از آنها شناسائی گردد و دانسته شود که هریک از آنها از دریای بیکران شریعت، جرعه ای بر گرفته اند .

بر همین پایه، دانشمندان اسلامی در لابلای سخنان گرانبارشان تاکید کرده اند که شناخت اختلاف فقیهان، همچون موارد اجماعی آنان به مثابه یک واجب، باید مد نظر قرار گیرد که اتفاق و اجماعشان حجت و دلیلی قاطع و اختلافشان مایه رحمت و برکت است . در همین ارتباط گفته اند : آن که اختلاف دانشمندان را نیک نشناسد، دانشمند نیست و هر کس از اختلافات فقهی آگاه نباشد، بویی از دانش فقه نبرده است .

آفتی که امروز دامنگیر بسیاری از تازه به دوران رسیدگان علم و دانش شده، آن است که جز از یک رای و دیدگاه که آن را از استاد خویش فرا گرفته اند، آگاهی ندارند و خود را در حصار یک مکتب محصور کرده و امکان شنیدن آراء دیگران و بحث و مناقشه و مطالعه در سایر مکاتب را از خود سلب کرده اند.

این اشخاص اگر در مسئله علمی از وسعت فکری بیشتری برخوردار بودند خوب می دانستند که درباره یک مسئله، وجود چند رای و نظر طبیعی است و امکان همزیستی این نظریات به ظاهر متضاد و متعارض نیز هست .

مهم آن است که انصاف به خرج دهیم و از تعصب دست بر داریم و قدرت تحمل دیگران را داشته باشیم، چه ممکن است سخن آنان به صواب نزدیکتر و فهم آنان از مساله صحیح تر باشد.

مرز بندی و تعریف دقیق مفاهیم و اصطلاحات:

باز از جمله مسائلی که در رفع اختلاف مسلمانان و بویژه گروه‌های فعال اسلامی مؤثر واقع می‌گردد، ارائه تعریفی دقیق از مدلول مفاهیم حساس و نزاع انگیز است، تا در این زمینه از اشتباه و سوء برداشت جلوگیری به عمل آید.

در بسیاری موارد، اختلاف اصلی، بر سر معنا و مفهوم غامض و پیچیده‌ای است که از اصطلاح معینی بدست داده اند، در صورتی که اگر از آن اصطلاح، تعریفی روشن ارائه می‌شد، طبیعتاً طرفین نزاع بر حد میانه‌ای اتفاق می‌کردند.

به همین علت، دانشمندان، از دیر باز تاکید کرده اند که به هنگام مناظره درباره مسائل اختلافی، باید موضع مورد اختلاف، دقیقاً معلوم شود، تا بدون جهت و بی‌آنکه نقطه اختلاف روشن شده باشد، اختلاف و نزاع در نگردد. گاه میان دو دسته، اختلاف به اوج خود می‌برسد و طرفداران هر نظریه گرد و خاک بسیار می‌پراکنند. اما سر انجام معلوم می‌شود که باز گشت این همه بحث و جدل، به اختلافی لفظی بوده که در عمل، هیچ بهره‌ای از آن عاید نمی‌شود.

پرداختن به مشکلات کلان امت اسلامی:

سقوط در پرتگاه اختلاف و خود بخود از هم گسیختن و پراکندگی، گاه نتیجه چیزی جز بی‌توجهی به آرمانهای متعالی و مسائل بنیادی اسلامی نیست.

چون مردم خود را از این گونه مسائل فارغ بینند طبیعی خواهد بود که نزاع بر موضوعات غیر بنیادین و بی ارزش آغاز شود و گاه حتی تا مرز جنگ و دعوا ادامه یابد.

داشتن درد مشترک، عامل عمده‌ای است که در اتحاد مردم و بسیج آنان علیه دشمن، مؤثر واقع می‌شود.

احمد شوقی، در قالب شعر در بیان همین مطلب می‌گوید: ((ان المصائب یجمعن المصابین))

دردها باعث اجتماع درد مندان می‌شود.

راستی چه خیانت بزرگی است که ما امت اسلامی را به جدل درباره احکام فرعی و مسائل غیر اساسی عقیدتی برانگیزانیم و در عوض دردها و مصیبت‌هایی را که امت با آنها دست به گریبان است و شاید خود ما در پیدایش آنها بی نقش نباشیم، یکسره به فراموشی بسپاری‌م، حال آنکه خود می‌دانیم اختلاف و بحث و جدل در این زمینه‌ها

نتیجه ای جز اختلاف و پراکندگی بیشتر در پی نخواهد داشت و امیدی هم نیست که معاصران بتوانند بر آنها اتفاق نظر کنند .

در این باره، حساسیت ابن عمر (رض) در قبال یکی از عراقیان درباره حکم خون مگس، قابل توجه است .
نخست آن مرد عراقی را از تکلیف در دین و ریز بینی در مسائل جزئی و کم ارزش هشدار داد و سپس گفت :
چطور ممکن است کسی حکم خون مگس برایش مهم جلوه کند اما از ریختن خون نواده رسول خدا (ص) باکی نداشته باشد .

راستی چه خیانتی بزرگتر از این است که تنور جنگ را در میان خود گرم نگه داریم و مدام بر سر همدیگر بکوبیم و با کلماتی زشت و ناهنجار، یکدیگر را مخاطب قرار دهیم، آن هم بخاطر مسائل اجتهادی که طبعاً قابلیت پذیرش تفاسیر گوناگون را دارند . مجتهدی که در تشخیص حکم شارع راه درست در پیش گرفته باشد، از پاداش الهی برخوردار است و او که در این زمینه دچار اشتباه شده، عذرش پذیرفته و خطایش بخشوده است .

بر این اساس امروزه وظیفه خطیری که بر دوش اندیشمندان اسلامی سنگینی می کند، آگاهی دادن به توده های مسلمان است که مشکلات اساسی جامعه را بشناسند و در جهت رفع آنها تلاش پیگیر از خود نشان دهند، هر فرد و گروهی از آنان باری از آن بر دوش بردارند و بدین طریق از سنگینی آن مشکلات بکاهند .

جهان معاصر، امروزه در تمام زمینه ها علیرغم اختلافات دینی، عقیدتی، نژادی، زبانی، و سیاسی موجود، شاهد تلاش هایی جدی در جهت ایجاد وحدت و یکپارچگی است .

مذاهب مسیحی که بیشتر به ادیان مستقل شباهت دارند تا به فرقه های بزرگ یک دین، با نزدیک شدن به هم، در تلاشند تا همکاریهای همه جانبه ای را سازمان دهند و در این راه به موفقیت های قابل ملاحظه ای دست یافته اند .
از اینها گذشته، حتی شاهد همکاری نزدیک و چندان جانبی ای میان آئین یهود و مسیحیت که دشمنی های دیرینه ای باهم داشته اند، هستیم .

این همکاریها تا بدانجاست که واتیکان چند سال پیش، دست به انتشار سندی زد که در ضمن آن یهودیان از اتهام کشتن حضرت مسیح تبرئه شده بودند .

این سند بعدها توانست شهرت بسیاری کسب کند .

توده های مسلمانان در گوشه و کنار زمین از گرسنگی و بیماری جان می دهند، جهل و بیسوادی در میان آنان شیوع تمام دارد، مواد مخدر نفوذی گسترده یافته است و نوک تیز تبلیغات مسیحی و مادیگری متوجه آنان است . با این، آیا دور از صلاح نیست که از این مشکلات غفلت کنیم و برای نجات آنان از این منجلاب بر خود نجسیم ؟ کشورهای اسلامی متأسفانه امروز حتی قدرت تولید مایحتاج ضروری خود را هم ندارند، اسلحه ای که برای دفاع از کیان خود لازم دارند از خارج وارد می کنند و از ساخت ابزار و آلاتی که اسباب اعتبار و آبروی جامعه اسلامی را فراهم کند، ناتوانند .

کشورهای اسلامی همه در حوزه جهان سوم قرار گرفته اند . عامل این عقب ماندگی ها از دیدگاه عده ای اسلام است، حال آنکه در قرون نخستین اسلامی همین اسلام بود که بر سراسر جهان آقایی می کرد و این نبود مگر در پرتو عمل به احکام و تعالیم آن .

علاوه بر این، مشکلات اساسی دیگری هم هست که از آن یاد نشد، مشکلاتی مانند : جنگهای داخلی، کشمکشهای منطقه ای، قحطی، هجوم تبلیغات مسیحی و غیر اینها .

امروزه بزرگترین کشورهای اسلامی در آسیا و آفریقا - اندونزی و نیجریه - دروازه های سر زمین خود را به روی تبلیغات مسیحی گشوده اند .

آیا برآستی کدام کدام مسلمان غیرتمند و اندیشمند هست که چشم از این مشکلات بزرگ ببوشد و در مقابل، برای بحث پاره ای از جزئیات علمی و عملی که به ه بیچ روی در دایره مسائل ضروری و اساسی نمی گنجد آرام نگیرد . و سر از پا نشناسد و در این راه از پاره پاره شد امت اسلامی و افروختن آتش فتنه های خاموش گذشته و عصبیتهای آرام، باکی نداشته باشد، آن هم در جهان معاصر که اندک اندک اختلافات ریشه ای قومیتهای مختلف را به فراموشی می سپارد و از این رو همکاری نزدیکی در زمینه های گوناگون اقتصادی - سیاسی - فرهنگی در میان کشورها در جریان است .

بر این اساس، به روشنی می توان دریافت که از این پس هرگز نباید امت اسلامی را به مسائل جرئی، سر گرم کنیم و بخاطر مسائل اختلافی و فرعی، آتش اختلاف را در میان آنان دامن زنیم و اینچنین اذهان آنان را نا خواسته از توجه به قضایای سر نوشت ساز جامعه مسلمان، منصرف کنیم .

همچنین شایان گفتن است بحث و درگیری بر سر موضوعات بی فائده که مدت‌ها است اندیشمندان مسلمان را به خود مشغول ساخته و شاید هنوز هم در اینجا و آنجا کما بیش محل بحث و مجادله باشد، بهره‌ای جز گمراهی ندارد.

موضوعاتی مانند قدیم یا حادث بودن قرآن که مدت‌های طولانی، میدان اندیشه اسلامی را اشغال و آتش فتنه را در میان معتزلیان و اهل سنت بر پا ساخته بود .

در این مسیر متفکران معتزلی توانستند دولت عباسیان را در این فتنه کور، داخل کنند و پای سایر مسلمانان از خرد و کلان، و دانشمندان و ائمه مذاهب بخصوص احمد بن حنبل را به این آشوب بکشانند .

عباسیان در راستای اجبار مخالفین بر ترک اعتقادشان و وادار کردن آنان به پذیرش رای خویش، از بکار بردن شمشیر و آتش و زندان و شکنجه، هیچ دریغ نکردند .

از این مسائل که بگذریم، شاید توجیحات درست یا نادرستی هم برای برپایی این فتنه در آن زمان بتوان دست و پا کرد، اما واقعیت آن است که در برهه کنونی، بر افروختن مجدد آتش آن اختلافات، هیچ توجیه منطقی و درستی ندارد . از این رو، از کسانی که در بحث از اعتقادات زیدیان و اباضیان یا برخی دیگر از فرقه‌ها، از عقیده آنان به حدوث قرآن سخن می‌گویند سخت در شگفت شده و معتقدیم که این مباحث هیچ‌گره‌ای از مشکلات جامعه اسلامی را نمی‌گشاید .

مشکل امروز آن نیست که کسانی، قرآن را مخلوق و یا حادث بدانند .

مشکل حاد ما در این باب، اعتقاد پاره‌ای از مردم است که آن را ساخته و پرداخته محمد (ص) دانسته، انسانی بودن قرآن و نه خدایی بودن آن را تبلیغ می‌کنند نیز با کسانی مواجه ایم که شاید به وحی بودن آن اعتقاد داشته باشند . اما آنرا شایسته هدایت جامعه امروزی نمی‌دانند .

همکاری در باب مشترکات :

مع الاسف، برخی از گروه‌های وابسته به بیداری اسلامی با پرداختن بی‌رویه به مسائل اختلافی، از توجه به موضوعات اساسی باز مانده‌اند و با برپایی جلساتی و به راه انداختن جدل و منازعه راجع به این گونه مسائل، آتش اختلافات را همچنان گرم نگه می‌دارند .

البته روشن است که ما با تحقیق علمی و تطبیقی درباره مسائل اختلافی و سرانجام، ترجیح یکی از آراء، مخالف نیستیم، اما ضرورت دارد تنها متخصصین و دانشمندان به این امور بپردازند که در کنار دارا بودن شایستگی علمی، از تدین و تقوای دینی نیز برخوردار باشند .

آنچه مردود است آنست که بحث راجع به مسائل اختلافی را مهمترین وظیفه خود بدانیم و تمامی تلاش و همت خود را صرف آنها کنیم، بدینسان خود بخود از بازسازی بنای عظیم فرهنگ و تمدن اسلامی که در آستانه فرو ریختن است، باز نمائیم .

هر کسری با اندکی دقت در وضعیت موجود بنگرد، به یقین در خواهد یافت که مشکل امت اسلامی آن نیست که بر اساس اجتهاد یا تقلید، یکی از اقوال و آراء را در قضایای مورد اختلاف بر دیگری ترجیح دهیم یا نه ؟ واقعیت آنست که حتی مجتهدانی که در دریافت حکم صحیح دچار اشتباه شوند، از پاداش و اجر محروم نیستند، بلکه می توان نتیجه گرفت که همه مشکلات امت، به بی توجهی پیروان مذاهب اسلامی به مسائل مورد اتفاق بر می گردد.

مشکل واقعی مسلمانان شیفتگان فرهنگ وارداتی غرب و شرق است که اصل ذات و صفات الهی را منکرند، نه با کسانی که آیات و احادیث مربوط به صفات الهی را تاویل می کنند گر چه سلف صالح در این باب راجح و صحیح تر می نماید .

مشکل مسلمانان با کسانی که وجود خدا و عرش الهی را یکجا منکرند، نه با کسانی که استوی علی العرش را به معنی (استولی) می گیرند و یا کنایه از عظمت قربت الهی به حساب می آورند .

مشکل عمده که موجب اختلاف و تفرقه امت گردد، هرگز به جهر یا به خفا خواندن یا حتی نخواندن بسمله در نماز نیست .

و نیز باکی نیست که نماز گزاران در حین نماز بنا بر اجتهادات پیشوایان مذاهب اسلامی دست های خود را بسته و یا آزاد بگذارند و یا با تکتف بایستند و یا قبل و بعد از رکوع دسته را بلند کنند و مسائل اختلافی دیگر از این قبیل .

مشکل ما مسلمانان صرفا با کسانی است که حتی یک رکعت نماز نمی گذارند و با مسجد هیچ آشنائی ندارند .

بر این مبنا، رهبران اسلامی باید پیش از هر چیز، به ضرورت تکیه بر نقاط مشترک توجه کنند، پرچم همکاری در

موارد مورد اتفاق را بر افزایند و بدانند که این همکاری و همدلی واجبی دینی و ضرورتی حتمی و واقعگرایانه

است .

نقاط مورد اشتراک و اتفاق، چندان اندک و بی ارزش نیست که اهتمام نخواهد، بلکه سخت نیازمند تلاش و اراده ای خستگی ناپذیر است و اندیشه های هوشیار و توانمند و توانی سازنده می طلبد که در آن را بکار افتد .

چرا امت اسلامی را بدون ورود به معرکه اختلافات و جدالها که بر انگیزته پیشینیان یا معاصران است، با سادگی و وضوح با این باور های اصیل آشنا نکنیم که با آنان وحدت رویه داریم .

آیا همه و ه مه، بر مکارم اخلاق که بعثت پیامبر اکرم (ص) به هدف تکمیل آن صورت پذیرفته و سیره نبوی، نمونه عالی آن است، از قبیل توکل، شکر نعمت، صبر بر مصیبت، خوشنودی از تقدیر، امید به رحمت و ترس از عذاب خدا، اخلاص، اشتیاق و محبت به خدا و انس با ذکر او گرفته تا راستگویی، امانت، وفای به عهد، شجاعت، سخاوت، حیا و فروتنی و نظم در کارها و همکاری با یکدیگر متفق و هماهنگ نیستیم؟!

پس بیاییم این ارزشها و فضایل اخلاقی را بگسترانیم تا در دل و جان پیر و جوان این امت ریشه بدواند و در مقابل، در جهت طرد رذیلت های ناپود کننده فرد و جامع ه که امام غزالی با اقتباس از حدیث نبوی آنها را مهلکات نامیده و در تعارض با صفتهای نیکوی انسانی قرار دارند بکوشیم .

چرا بگذاریم این دنیا پرستان بد سرشت دین را ملعبه دست هوا خواهان و بی خردان قرار دهند یا با امیال سلاطین جور و فساد و انحرافات شیطانی آن را به باربچه بگیرند .

آری، همگی بر آنیم که صهیونیسم از جنبه های مختلف دینی، نظامی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و اخلاقی و فرهنگی، جریان اسلام خواهی را تهدید می کند و نه تنها در صدد ویران کردن مسجد الاقصی و ساختن کنیسه یهودیان به جای آن است که در اندیشه فتح خیبر و مدینه هم هست، و در این راستا طرح می ریزد و تلاش می کند و سرانجام هم شاید خدای ناخواسته به هدف برسد .

آیا ندیده ایم که به پاره ای از ما خیال پرورانه تحقق آنها را محال می دانستیم .

سرزمین مقدس را غصب کردند، ساکنان فلسطین را آواره کردند و هنوز هم دست ا ز دشمنی و تجاوز بر نمی دارند . اسرائیل امروز بر مبنای تورات و تلمود و به گمان خود با پیشگویی های پیامبرانشان به جنگ ملت مسلمان آمده است پس چرا ما به همان شیوه با آنان نجنگیم ؟

بیاییم با اسلام جاویدان خویش، یهودیت منسوخ شان را هدف قرار دهیم .

با قرآن اصرار خود به جنگ تورات تحریف شده شان برویم .

با میراث ارجمند سنت که لبریز از حقایق متعالی است، تلمود پر از اباطیل آنان را زیر سؤال ببریم .
چرا علیه صهیونیسم که دامنه فعالیتش را با صد مکر و حيله به آسیا و آفریقا و کشورهای اسلام می کشانده است، لباس رزم بر تن نکنیم و هوشیارانه در خنثی کردن توطئه های آنان، تلاش و فداکاری ننمائیم؟
آیا همگان واقف نیستیم که غرب هنوز از روح صلیبی خود دست نکشیده و نشانه هایش را همچنان در بسیاری از حوادث اینجا و آنجا که رد پای آن در آنها آشکار است، بوضوح می توان دید؟

نمونه هایی از این روحیه در برخورد با مسئله آیات شیطانی و مؤلف مرتد و گستاخ آن سلمان رشدی، موضوع حجاب دختران مسلمان در فرانسه و تبلیغ آشکار و پنهان علیه بیداری اسلامی یا به تعبیر آنان اصول گرایی اسلامی، قابل مشاهده است پس چرا دست بدست هم ندهیم و در برابر جنگ جدید صلیبی غربیان با اسلحه نوین و امکانات فراوان و هولناک علیه مسلمانان بر پا کرده اند، نایستیم؟ مگر نه این است که تبلیغات مسیحی امروزه با برخورداری از وسائل پیشرفته و امکانات فراوان به جنگ با جهان اسلام و اقلیتهای اسلامی سایر کشورها، برخاسته است؟ آنان پیوسته از فقر و بیسوادی و گرسنگی و بیماری گسترده ای که در بین ملتهای اسلامی در آفریقا و آسیا بچشم می خورد به نفع خود بهره برداری تبلیغاتی می کنند .

و در این راه میلیونها و بلکه میلیاردها هزینه می کنند، تا شاید بتوانند جامه اسلام را از تن امت اسلامی بر کنند و عقیده اسلامی را در نگاه آنان زشت جلوه دهند .

با کمال درد و تاسف باید گفت که تلاشهای مبلغان مسیحی در بسیاری از سرزمینهای اسلامی مؤثر افتاده، و همچنان برای جلب کمکهای مادی و انسانی بیشتر از جهان مسیحی و به قصد تضعیف هر چه بیشتر فری ب خوردهایشان، بر موفقیتهای بدست آمده، سر پوش می گذارند . متأسفانه صدها میلیون مسلمان در گوشه و کنار عالم از واجبات اسلامی بکلی بی خبرند و از اسلام و قرآن جز اسم و رسم، چیزی نمی دانند؟
براستی آیا همین نادانی و خلاء فرهنگی نبوده است که مسیحیان و کمونیستها را به بسط و گسترش نفوذ فرهنگی خود بر انگیخته است .

این وظیفه ما ست که الفبای عقاید، عبادات، اخلاق و آداب اسلامی را که تمام مذاهب اسلام در مورد آنها اتفاق نظر دارند، به این مسلمانان بیاموزیم .

بدیهی است لازمه تحقق چنین آرزویی، تلاشی خستگی ناپذیر و کنار نهادن اختلافاتی است که هر روز در آن دست و پا می‌زنیم .

آری مسئول این همه عقب ماندگی و عیب و نقص و کمبود، ماییم که صدای اسلام را به قاره ششگانه دنیا نرسانده ایم و در تبیین دین خویش، با هر قوم با زبان خودشان سخن نگفته ایم و با پاسخگویی به شبهات و رد اتهامات دشمنان بیان حقایق دینی، کمبودها و نقایص موجود را از میان نبرده ایم .

امروزه ترجمه‌های انجیل را به صد زبان و هزاران لهجه می‌توان یافت که به همت مسیحیان در سرتاسر جهان منتشر شده، اما متأسفانه ما هنوز از تهیه و نشر ترجمه‌های مطمئن و درست از معانی قرآن به زبانهای زنده دنیا، عاجز مانده‌ایم، تا چه برسد به زبانها و لهجه‌های غیر مشهور .

چرا مسلمانان برای دستیابی به اتحاد همه جانبه و ایجاد جبهه واحد در مقابل ابرقدرت‌های معارض با اسلام که از هر فرصتی برضد آن بهره می‌جویند و علیرغم اختلافات درونی خود علیه آیین محمّدی، یکدست و هم‌نوا هستند اختلاف در مسایل فرعی و اجتهادی را نادیده نمی‌گیرند .

در اوضاع و شرایط کنونی لازم نیست که مسلمانان خود را درگیر مسائل فرعی و غیر اصولی همانند ریش و لباس و نقاب بستن و حجاب، کوتاه و بلندی لباس و تفسیرهای خیال پردازانه، حرکت دادن انگشت در هنگام خواندن تشهد و مسائل ریز و درشت دیگر از این قبیل، نمایند و همه نیروها را در این مسیر تلف کنند، اما از پرداختن به آن نیازهای بنیادی و سرنوشت ساز، بازمانند و در جهت تحقق آرمانهای عالی و بلند هیچ کاری نکنند .

چشم پوشی و گذشت و آسان گیری در مسائل اختلافی :

همانطور که در مسائل مورد اتفاق باید همدلی و همکاری کنیم، همچنین لازم و ضروری است که در موضوعات اختلافی از خود تسامح و چشم پوشی نشان دهیم به این ترتیب با ظهور همکاری و تسامح همانطوریکه صاحب تفسیر المنار رشید رضا می‌فرماید، نمایان می‌گردد :

در مسائل مورد اتفاق، همکاری و همدلی باید کرد و در موضوعات اختلافی تسامح و گذشت باید نشان داد .
تسامح مطلوب که همان احترام به آراء دیگران است و از جمله اصول بسیار مهم، در جهت ایجاد اتحاد و همگرایی و کم کردن شدت اختلافها، احترام نهادن به آراء مخالفان و بحث و بررسی علمی راجع به دیدگاههای دیگران در زمینه مسائل اجتهادی است .

این اصل، خود به اصل مهم دیگری تکیه دارد و آن این که : هر حکم غیر قطعی، قابل اجتهاد است و در حکم قابل اجتهاد نیز بروز اختلاف طبیعی است .

و بدون تردید این چگونگی، خود، رحمتی الهی و گویای وسعت شریعت است و اگر خداوند اراده می فرمود، باب اجتهاد را با ورود نص بر هر موضوع مسدود می کرد و در آن صورت، دیگر هیچ اختلافی پیش نمی آمد .
اما خداوند متعال از روی رحمت و لطف بیکران خویش و نه العیاذ باللّٰه از روی فراموشی و نسیان، حکم بسیاری از مسائل را مسکوت نهاده و از این رو حکم قاطعی برای آنها در کتاب و سنت نمی توان یافت .
جالب توجه است که حتی آنچه منصوص علیه است، در بسیاری از موارد قابل تفسیرها و استنباطات گوناگون است، تا هر صنفی از مردم، چه کسانی که خود را پایبند ظاهر نص می بینند و چه آنان که فحوای حکم را ملاک می گیرند، چه معتقدان به تسامح و چه آنان که در امر دین سخت گیری نشان می دهند همه و همه را شامل شود .

عدم تعرض به گرویدگان به توحید (لا اله الا الله)

ناگفته پیداست خطر ناک ترین ابزار تخریب بنیاد اتحاد و همدلی مسلمانان، تکفیر دیگران است به این سبب، در واقع تکفیر گنندگان کسانی را از امت اسلامی و اهل قبله خارج می کنند و به آنها نسبت کفر و ارتداد می دهند، در این صورت کلیه رشته های پیوند میان دو طرف، قطع می گردد و دیگر هیچ رشته ای نخواهد بود که آنان را به هم پیوند زند .

آنان در واقع همچون دو خط موازی هستند که همدیگر را نمی توانند قطع کرد از آنجا که امت اسلامی از اقیانوس اطلس تا اقیانوس هند، با فرهنگ بیگانه درگیر جنگی گسترده است تا سازندگی و پیشرفت را بر پایه دین مبین اسلام گسترش دهد ضرورت دارد تمام اختلافات جزئی را یکسره به فراموشی بس پاریم و همه دل مشغولیهای دیگر را از میان ببریم و همگی با هم در مقابل نیروهای دشمن که برای بر انداختن و انحراف فرهنگ اسلامی در کمین نشسته اند، جبهه ای واحد تشکیل دهیم و در این راه از هیچ گونه همیاری و همکاری دریغ نورزیم .

و از دشمنان بیاموزیم تا با همه اخ تلافاتی که در میان خود دارند، علیه ما همدلی و هماهنگی می کنند . قرآن کریم در سوره انفال به این نکته اشاره کرده است :

((والذین کفروا بعضهم اولیاء بعض الا تفعلوه تکن فتنه فی الارض و فساد کبیر))

و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند . اگر این را بکار نیندید در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد . یکی از ویژگیهای طبیعی آدمیان که در فطرت انسانی ریشه دارد آن است که افراد و گروهها و ملت ها در صورت هجوم مشکلات و با داشتن دشمن مشترک، در کنار هم ایستاده دست اتحاد بهم می دهند و خداوند نیز مومنان را در سوره مبارکه صف آیه ۴ بهمین سو دعوت می کند .

((ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص))

پس خداوند در حقیقت دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گوی بنای ریخته شده از سرب اند جهاد می کنند .

متأسفانه جهان اسلام از تحقق بخشیدن به پیشرفتهای درخشان در زمینه دین و دنیا خود همچنان ناکام مانده است، حال آنکه از سرمایه و پشتوانه انسانی چیزی کم ندارد و برتری حقیقی به همان عامل وابسته است . جامعه مسلمان در اعصار پیشین نیز، همواره از سرمایه و پشتوانه انسانی عظیمی بر خوردار بوده است . رمز این ناتوانی در وحله نخست به هم گسیختگی نیروها و تلاشهای ناهماهنگ و تضعیف نیروهای خودی بر می گردد اما اگر همه دست به دست هم می دادند و بجای تضعیف همدیگر در سدد کمال جوئی و زدودن عیبها و نقصها از همدیگر بر می آمدند، می توانستیم با سرعتی خیره کننده راه خود را به فردای روشن و امید بخش بگشائیم و بر مشکلات فائق آئیم .

از این رو باید در دفتر اندیشه و عمل خود صفحه ای نوین باز کنیم و روابط خویش را بر اصول فکری و اخلاقی فرهنگ اختلاف که در این مقوله بصورت اختصار و گذرا اشاره شده است، بنیان نهیم .

به امیداتفاق و اتحاد در مشترکات و تسامح در اختلافات

والله يقول الحق وهو يهدي السبيل

اسماعیل قدیری

عصام الدین گوگلان

مدرسین مدرسه علوم دینی ربانیه چنارلی

- [١] الجامع الصغير من حديث البشير النذير - جزء ١ صفحہ ٣٩ تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید
- [٢] ضعيف جامع الصغير و زيادته - جزء ١ صفحہ ٣٤ المكتب الاسلامی
- [٣] المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج للنووي جزء ١١ صفحہ ٩١ چاپ دار احیاء التراث العربی بیروت
سال چاپ ١٣٩٢ هجری قمری
- [٤] مراجعه به کتاب الصحوه الإسلامیه بین الإختلاف المشروع و تفرق المذوم تالیف دكتور يوسف قرضاوی
- [٥] سوره آل عمران آیه ٧
- [٦] سوره ص آیه ٦٩
- [٧] سوره مائده آیه ١٠١